



International Conference on The Second Phase of the Islamic Revolution : دومین همایش بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی :

The School of Martyr Soleimani ;

مکتب شهید سلیمانی

A Model for Training Jihadi Civilization-Making Managers

الگوی تربیت مدیران جهادی تمدن ساز



## International Conference on The School of Martyr Soleimani (ICSMS ۲۰۲۱)

### Model of economic diplomacy of the Islamic Republic of Iran In the second step of the Islamic Revolution based on the school of Shahid Soleimani

Najafali shahbazi \*

#### Abstract

One of the effective and strategic policies to gain points in the arena of international economic competition as well as economic progress is the intersection of two areas of economics and foreign policy called "economic diplomacy". The purpose of the present study is to show that the use of a new experience called economic diplomacy in the next step of the Islamic Revolution is very effective. This phenomenon is different but complementary to official diplomacy, and although its Western creators aimed to use it to realize the globalization project, its potential can be fully used in line with the goals of the Islamic Revolution against the sanctions and economic pressure of the domination system. Considered important economic principles of resistance. On the other hand, economic diplomacy based on the school of Martyr Soleimani, which was in a way derived from the movement diplomacy of that precious martyr, is a very efficient model that has shown its positive effects in many cases.

The main question that is answered here is how this tool can be used as a tool of economic progress with a new definition approach appropriate to the conditions, goals and ideals of the Islamic Revolution taken from the school of Shahid Soleimani to economic diplomacy. And include it in the strategy of the second step of the Islamic Revolution? What model can be the roadmap for this important?

**Keywords:** *Economic diplomacy, the second step of the Islamic Revolution, Iranian economy, international economics, Shahid Soleimani school*

---

\* Assistant Professor of Economics, Imam Hossein University, Tehran, Iran.

# الگوی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی مبتنی بر مکتب شهید سلیمانی

نجفعلی شهبازی \*

## چکیده

یکی از سیاست های کارآمد و راهبردی برای کسب امتیاز در صحنه رقابت اقتصاد بین الملل و همچنین پیشرفت اقتصادی، تلاقی دو حوزه اقتصاد و سیاست خارجی است که «دیپلماسی اقتصادی» نام دارد. هدف از تحقیق حاضر این است که نشان دهد، بهره‌گیری از تجربه نو بنام دیپلماسی اقتصادی در گام بعدی انقلاب اسلامی بسیار کارآمد است. این پدیده متفاوت اما مکمل دیپلماسی رسمی است و گرچه پدیدآورندگان غربی آن هدفشان بهره‌گیری از آن برای محقق ساختن پروژه جهانی‌سازی بوده است لکن ظرفیت‌های آن کاملاً قابل استفاده در راستای اهداف انقلاب اسلامی در مقابله با تحریم و فشار اقتصادی نظام سلطه است بطوریکه می‌توان آن را از اصول مهم اقتصادی مقاومتی به شمار آورد. از طرفی دیپلماسی اقتصادی مبتنی بر مکتب شهید سلیمانی که به نوعی برگرفته از دیپلماسی نهضتی آن شهید گرانقدر بود الگویی بسیار کارآمد است که اثرات مثبت خود را در بسیاری از موارد نشان داده است.

سؤال اصلی که در این جا به آن پاسخ داده می‌شود، این است که چگونه می‌توان با رویکرد تعریفی نو متناسب با شرایط و اهداف و آرمانهای انقلاب اسلامی برگرفته از مکتب شهید سلیمانی، نسبت به دیپلماسی اقتصادی، این ابزار را به‌عنوان ابزار پیشرفت اقتصادی بکار گرفت و آن را در راهبرد گام دوم انقلاب اسلامی گنجانده؟ چه الگویی می‌تواند نقشه راه این مهم باشد؟

**کلیدواژه‌ها:** دیپلماسی اقتصادی، گام دوم انقلاب اسلامی، اقتصاد ایران، اقتصاد بین الملل، مکتب شهید سلیمانی

## مقدمه

ویژگیهای ساختاری ایران به عنوان کشوری در حال توسعه و همچنین ساختار تحریم‌های غرب بر علیه آن ایجاب میکند که استراتژی‌های رهایی از فروش مواد خام و افزایش تولیدات با کیفیت داخلی و صادرات آنها همانگونه که مقام معظم رهبری تأکید کرده اند، در اولویت قرار گیرد. در همین راستا، جمهوری اسلامی ایران همواره تحت تأثیر دو نحله فکری خوشبینانه و بدبینانه به موضعگیری در برابر اقتصاد بین الملل، از واگرایی از اقتصاد جهانی تا همگرایی با آن و تمرکز اقتصادی تا آزادسازی فرآیند تولید و تجارت پرداخته و استراتژی توسعه ای آن نیز به شدت از این مواضع تأثیر پذیرفته است.

از طرفی گفتمان کلان حاکم بر ساختار اقتصاد سیاسی ایران تولید برای بازارهای جذاب کشورهای دیگر و تبدیل شدن به بازیگری فعال در عرصه اقتصاد سیاسی بین الملل است. طبیعتاً دستیابی به این راهبرد یک سلسله الزامات را برای تک تک نهادها و حلقه های تصمیم گیری کشور و بخش خصوصی فعال در این زمینه، ایجاد می کند. مهمترین این نهادها که به طور مستمر با کانونهای سیاسی اقتصادی منطقه ای و فرمانطقه ای در ارتباط هستند، دستگاه های دیپلماسی، بخش خصوصی و حوزه اقتصادی دولت هستند. بنابراین، تبیین رابطه بین دیپلماسی و پیشرفت اقتصادی در چارچوب اقتصاد سیاسی جهانی و از طریق سیاست خارجی از ضرورت برخوردار است. در توضیح مطلب باید افزود که ایران دارای شرایط خاصی است، چراکه اولاً کشور با موانع و چالشهایی برای ورود به بازارها و عرصه اقتصاد بین الملل مواجه است و ازسوی دیگر، دهه هاست در معرض سیاستهای تحریمی غرب قرار دارد. ازاین رو، تعامل ایران با نظام اقتصاد بین الملل در عین حال که ضرورتی آشکار است، اما از پیچیدگی هایی نیز برخوردار است که مدیریت دیپلماسی اقتصادی را به مقوله ای کاملاً حرفه ای و مهارت محور تبدیل میکند.

اینکه کشور چگونه و با تبعیت از چه الگویی می تواند دیپلماسی اقتصادی را در راستای اقتصاد مقاومتی پیش برده و چه عوامل تأثیرگذار بر این بخش خواهند بود، موضوعی است که این تحقیق تلاش می کند تا با جامعیت خوبی آن را پوشش دهد

## ۱ مبانی نظری و ادبیات تحقیق

### ۱،۱ پیشینه تحقیق

#### ۱،۱،۱ تحقیقات خارجی

نیکلاس باین و استفان وولکاک در پژوهشی به نام «دیپلماسی اقتصادی نوین» که به سفارش دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه توسط دکتر محمد حسن شیخ الاسلامی ترجمه و چاپ شده، درباره نحوه جهت دهی دولت ها به روابط اقتصادی بین المللی شان در آغاز قرن ۲۱ و به مسائلی از قبیل نحوه اتخاذ تصمیمات داخلی، نحوه مذاکرات بین المللی با سایر دولت ها و نحوه تعامل این دو فرایند با یکدیگر می پردازد. این تحقیق، اثری است درباره نحوه جهت دهی دولت ها به روابط اقتصادی بین المللی شان در آغاز قرن ۲۱ و به مسائلی از قبیل نحوه اتخاذ تصمیمات داخلی، نحوه مذاکرات بین المللی با سایر دولت ها و نحوه تعامل این دو فرایند با یکدیگر می پردازد. هر چند دولت ها محور این مطالعه هستند، اما علاوه بر آن کنگشران غیردولتی هم که تاثیرشان بر فرایند تصمیم سازی در حال افزایش است، مورد بررسی قرار گرفته اند.

مارک جی. سی کرسنزی در تحقیق تأثیر روابط اقتصادی در مجادلات سیاسی و روابط بین الملل با شیوه های کمی و کیفی تحلیل، سعی نموده تا درک مناسبی از تعامل استراتژیک در تحلیل وابستگی متقابل و تضاد سیاسی فراهم کند، در این تحقیق مبانی تئوریک مورد بررسی قرار گرفته است.

درخصوص دیگر آثار خارجی نیز می توان به چندین مورد مرتبط اشاره کرد: یکی از این موارد، تحقیق سیاست تجارت خارجی چین از کازنگ است که به مباحثی چون همکاری های چین با سازمان تجارت جهانی، موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت، تمرکززدایی و سیاست های حمایتی در تجارت خارجی چین، تأثیر سازمان های بین المللی از جمله سازمان تجارت جهانی بر سیاست تجاری چین و در نهایت روابط با ایالات متحده پرداخته است. یکی دیگر از آثار مهمی که در این حوزه به نگارش درآمده، مقاله «دیپلماسی اقتصادی؛ رهیافتی مقایسه ای به روابط چین - ترکیه و چین - یونان» از پانتلیس اسکلیاس، اسپروس روکاناس و ویکتوریا پیستیکواست. در این مقاله نویسندگان بعد از اشاره کوتاه به مفهوم دیپلماسی اقتصادی به تشریح روابط چین با یونان و ترکیه می پردازد. مقاله دیگر «سیاست تجاری چین» نوشته هانس گونتر هیلپرت است که به مباحثی مانند سیاست تجاری چین در قرن ۲۱، عضویت چین در سازمان تجارت جهانی، سطوح مختلف سیاست تجاری چین می پردازد و در نهایت چشم انداز روابط چین و اتحادیه اروپا را مورد بررسی قرار

می دهد.

## ۱،۱،۲ تحقیقات داخلی

ضیاءالدین صبوری و همکاران در مقاله سازمان‌های بین‌المللی و الگوهای همکاری اقتصادی سیاسی شمال- جنوب به چستی و ماهیت نقش نهادهای بین‌المللی در همکاری اقتصادی- سیاسی شمال- جنوب پرداخته است. این مقاله بر اساس روش تحلیل فرضیه رقیب، سه فرضیه رقیب برای پاسخ به سوال اصلی طرح کرده است که عبارتند از: ۱- سازمان‌های بین‌المللی ملی و تجاری از طریق ایجاد همکاری و رفع تعارض میان کشورها، دغدغه‌های توسعه جنوب و تداوم روند توسعه شمال را پاسخ می‌دهند. ۲- سازمان‌های بین‌المللی مالی و تجاری بر اساس دیدگاه خرد مزیت نسبی در اقتصاد بازار آزاد ایجاد شده و منافع شمال را برآورده می‌سازند. ۳- سازمان‌های بین‌المللی مالی و تجاری نیروی کمکی برای توسعه جنوب تلقی می‌شوند و بهره‌گیری مطلوب از آن بستگی به تنوع صادرات بر اساس مزیت نسبی و توان رقابت‌پذیری بین‌المللی دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نرخ سازگاری مربوط به فرضیه اول بیشتر از فرضیه‌های رقیب است. این مسئله بیانگر آن است که در شرایط فعلی سازمان‌های بین‌المللی مالی و تجاری، منافع شمال- جنوب را به صورت متوازن برآورده نمی‌سازند.

مبینی دهکردی و هاشمیان در مقاله رویکرد دیپلماسی اقتصادی در منطقه و جهان، الزام روابط خارجی توسعه‌گرا با تبیین مبانی نظری دیپلماسی اقتصادی و شواهد تجربی آن با استفاده از روش پژوهشی فراتحلیل، بایدها و محورهایی را که می‌توان بر پایه آن روابط خارجی را به گونه‌ای توسعه داد که برآیند آن به افزایش منافع و قدرت ملی و توسعه منطقه‌ای بینجامد، بررسی نموده و در پایان به الگوی مورد نظر رسیده اند. پی‌آمد این حرکت، افزایش رفاه همه شهروندان منطقه، در پرتو موج توسعه مشترک خواهد بود.

باقری، سیف و شهبازی (۱۳۹۶)، در تحقیقی به نام الگوی دیپلماسی اقتصادی ج.ا.ا و عمق بخشی خارجی انقلاب اسلامی، راهبرد اصلی را در این زمینه تقویت الزامات سیاست خارجی، اقتصادی و سازمانهای عمل‌کننده، تعریف نموده اند.

با بررسی آثار فوق، به این نتیجه رسیدیم که هنوز اثر جامعی درخصوص موضوع این پژوهش به زبان فارسی نگاشته نشده و بیشتر مقالات و کتب منتشر شده هرچند که دیپلماسی اقتصادی را محور بحث خود قرار داده‌اند، اما عموماً مصداق‌های دیگری را به‌عنوان مطالعه موردی بررسی کرده‌اند

## ۱,۲ تعاریف و مفاهیم

### ۱,۲,۱ دیپلماسی اقتصادی

اگر چه تعریف دقیقی از دیپلماسی اقتصادی در دست نیست، اما می توان دیپلماسی اقتصادی را تنظیم و پیش برد سیاست های مرتبط با تولید، جا به جایی یا مبادله کالاها، خدمات، کار و سرمایه گذاری در دیگر کشورها تعریف کرد. یک مشخصه متمایز دیپلماسی اقتصادی این است که بخش های خصوصی برای تأثیر گذاشتن بر مذاکره و با هدف باقی ماندن در بازار رقابتی جهانی یا منطقه ای در فرآیند سیاست گذاری مشارکت می کنند.

جهانی شدن اقتصادی به شکل فرآیندهای دیپلماسی اقتصادی را به سازه ای مهم در سیاست خارجی تبدیل کرده است. دیپلماسی اقتصادی با پیش بینی وضع آینده رژیم های بازرگانی نیز ارتباط دارد و از این رو نیازمند درک و شناخت مولفه های موثر بازار در محیط اقتصادی جهانی است و در این فرآیند، کشور باید برای پیش برد منافع اقتصادی خود، تصمیم گیری کند. (هارون الرشید، ۱۳۸۵: ۱۳۹)

## ۱,۳ نظریه های مرتبط با تحقیق

### ۱,۳,۱ الگوی درون زای برون گرا (اقتصاد مقاومتی)

استراتژی تجاری و اقتصادی میتواند ضمن جلوگیری از سیاست زدگی به گونهای طراحی شود که در آن منافع اقتصادی حداقل در حد و اندازه مصالح سیاسی و ایدئولوژیک اهمیت داشته باشد. همچنین، تغییر رویکردها در تصمیم گیریهای کلان اقتصادی و بازرگانی در جهت تقویت اقتصاد مقاومتی و صادرات محور براساس بند اول اصل ۱۱۰ قانون اساسی مستلزم دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی مقتدرانه و فعال با هدف ایجاد توان رقابت در بازارهای بینالمللی، بهویژه در شرایط پساتحریم، و تقویت روابط تجاری با کشورهای دیگر است. ابلاغ سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی توسط رهبر معظم انقلاب، راهبرد تجاری و اقتصادی جمهوری اسلامی در دهه پیشرفت و عدالت را ترسیم میکند که رویکردی جهادی، انعطافپذیر، فرصت ساز، مولد، درونزا و برونگرا را مد نظر قرار میدهد. این رویکرد انفعالی و فرصت سوز نبوده و دو مفهوم برون گرایی و درون گرایی به معنای استفاده بهینه از ظرفیتهای داخلی و با رویکرد صادرات محور و کسب جایگاه قابل توجه در بازارهای بین المللی را مورد توجه قرار می دهد که این امر مستلزم نگاه توسعه گرایانه در عرصه سیاست خارجی میباشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲). در سیاست های

کلی اقتصاد مقاومتی، به موضوع ارتباط با سازمان‌های جهانی اشاره شده است و در بند دوازدهم آن برای افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور راهکارهای زیر ابلاغ شده است:

- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به‌ویژه همسایگان؛

- استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی؛

- استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.

افزون بر این، تدوین متن نهایی سند چشمانداز ۱۴۰۴ در آبان‌ماه سال ۱۳۸۲ با هدف برنامه ریزی سیاست‌های داخلی و خارجی برای تبدیل ایران به قدرت برتر در منطقه آسیای جنوب غربی صورت گرفته است و بر همین اساس، پس از قانون اساسی مهمترین سند بالادستی جمهوری اسلامی محسوب میشود (جنتی، واعظی و کرباسیان، ۱۳۹۳) در واقع، سند مذکور درصدد دستیابی به توسعه ملی پایدار از مسیر تعامل سازنده و مؤثر با نظام بین‌الملل با اهداف تأمین امنیت، اقتدار و استقلال حداکثری و با برخورداری از جایگاه نخست منطقه‌ای بوده و به عبارتی، توسعه اقتصادی را با نگاهی برون‌گرا و در تعامل با اقتصاد جهانی تعریف میکند

## ۱,۴ دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

### ۱,۴,۱ دیپلماسی اقتصادی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران

رهبر معظم انقلاب در بند سوم بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که به نوعی تقسیم نقشه راه انقلاب در مسیر خود می باشد، بحث اقتصاد را مطرح فرموده و با اشاره به اینکه اقتصاد قوی می تواند مانع سلطه بیگانگان گردد، ارتباط سیاست خارجی با اقتصاد را تبیین نموده اند. ایشان می فرمایند: "اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است."

ایشان در ادامه، چالش‌های اصلی اقتصاد کشور را در ۲ مورد خلاصه می نمایند، تحریم به عنوان یک چالش خارجی و معایب ساختاری و سوء مدیریت و ناکارآمدی به عنوان یک مانع داخلی. "انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش

بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی است. ایشان در همین بیانیه، راه‌حل این مشکلات را در اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی دانسته و پیگیری و اقدام برای مقاوم سازی اقتصاد را از دولتها خواسته‌اند. تاکید رهبری بر درون‌زایی اقتصاد کشور و برون‌گرایی با استفاده از ظرفیتهای موجود، رابطه سیاست‌های داخلی و خارجی برای برون رفت از مشکلات اقتصادی را مشخص نموده و ورود یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت را چاره کار می‌داند. "جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه‌ی راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه‌ی گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر میشود، اما منشأ آن، کانونهای فکر و توطئه‌ی خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء میشود".

رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم، وابستگی به درآمدهای نفتی و نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی را از مهم‌ترین عیوب ساختاری اقتصاد دانسته و با یادآوری ظرفیت‌های بالقوه کشور و توجه به بازارهای بزرگ ملی و منطقه‌ای، مسئولین را به برنامه‌ریزی دقیق برای استفاده از این ظرفیت‌ها فراخوانده و در واقع بحث دیپلماسی اقتصادی و نقش آن در پیشرفت اقتصادی کشور را بیان نموده‌اند. "ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخشهایی از ظرفیتهای کشور است؛ بسیاری از ظرفیتهای دست‌نخورده مانده است.... دهه‌ی دوم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیتهای استفاده‌نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد".

توجه به بازار بزرگ منطقه‌ای و پانزده همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت و بهره‌گیری از این ظرفیت برای صادرات تولیدات داخلی، برنامه‌ریزی دقیق و منسجمی را برای هماهنگی ۳ حوزه سیاست خارجی، اقتصادی دولت و بخش خصوصی را می‌طلبد. بر این اساس افزایش تولید داخلی با کیفیت متناسب با ظرفیت کشور و تقاضای طرفهای خارجی و صادرات آن به خارج از



کشور، موجب کاهش اتکا به صادرات نفت شده و از عناصر مقاوم سازی اقتصاد تلقی می گردد. در مقطع فعلی حدود بیست و دو کشور از تحریم های آمریکا و غرب رنج می برند و برای مقابله با تحریم، اکثر این کشورها، به دنبال مقاوم سازی اقتصاد و کاهش آثار تحریم ها هستند. از طرفی کشورهایی چون روسیه و چین نیز روابط راهبردی با ایران دارند که دارای ظرفیتهای اقتصادی خوبی برای همکاری مشترک می باشند. با توجه به این مشترکات، تقویت سیاست هماهنگی می بایست از اولویت های دستگاه دیپلماسی باشد. این رویکرد موجب بهره گیری از ظرفیت های متقابل سرزمینی بر اساس احترام، اعتماد و همکاری متقابل خواهد بود و زمینه همکاری های سه جانبه و چندجانبه را فراهم می آورد که می تواند اهداف اقتصاد مقاومتی را محقق سازد.

## ۱,۴,۲ بخش های تشکیل دهنده دیپلماسی اقتصادی

### ۱,۴,۲,۱ بازیگران اصلی

علیرغم همه تحولات در ظهور بازیگران جدید، هنوز هم حکومت ها اصلی ترین بازیگران صحنه دیپلماسی نوین را همانند گذشته تشکیل می دهند. البته بدون شک اندیشمندان علم روابط بین الملل از هر مکتبی در این موضوع اجماع دارند که بازیگران غیر حکومتی به تدریج و با سرعت در هر دو عرصه ملی و فراملی در حال کسب قدرت و تکاثر نفوذ می باشند که در این زمینه می توان از گروه ها و شرکت های کارآفرین و مولدین کسب و کار، اتحادیه های صنفی و تجاری و سمن (NGO) های مدنی نام برد. در سطح فراملی نیز سازمان های بین المللی نظیر سازمان ملل و سازمان تجارت جهانی و صندوق بین المللی پول و بانک جهانی چون گذشته بازیگران اصلی هستند. ولی سازمان های مدنی غیردولتی (NGO) و شرکت های فراملیتی به سرعت و به تدریج نقشی روزافزون در نهادهای فراملی به خود می گیرند.

### ۱,۴,۲,۲ موضوع و محتوای دیپلماسی اقتصادی

سیاست های دارای تأثیر و تأثر متقابل در تولید و تجارت کالا و خدمات و مسائل مربوط به سرمایه گذاری و اطلاعات مالیه در بین کشورها و سازمان های بین المللی از مواردی است که با یان و وول کک در کتاب دیپلماسی اقتصادی نوین منتشره در ۲۰۰۳ به عنوان موضوع دیپلماسی اقتصادی به آن ها تأکید نموده اند.

### ۱,۴,۲,۳ ابزارها

ابزارهای دیپلماسی اقتصادی طیف وسیعی، از مذاکرات غیررسمی تا همکاری در تدوین موافقت‌نامه‌های رسمی و تنظیم مقررات و تعاملات در چارچوب کمیسیون‌های اقتصادی دوجانبه کشورها یا همکاری در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی و چندجانبه را دربرمی‌گیرد. ابزار مهمی که از همان ابتدای تئوریزه کردن دیپلماسی اقتصادی به آن تصریح شده است، همان‌گونه که پرچیجک در کتاب دیپلماسی اقتصادی، سیاست‌های تجاری و بازرگانی منتشره در سال ۱۹۹۴ خاطر نشان ساخته است، اقدامات تنبیهی و کیفری تحریم‌ها به‌عنوان یک اهرم مؤثر است.

### ۱,۴,۲,۴ سطح دیپلماسی اقتصادی

این امر در همه سطوح روابط دوجانبه، منطقه‌ای، چندجانبه و بین‌المللی قابل اعمال است. مقوله دیپلماسی اقتصادی توسط کشورهای پیشرفته ابداع شد تا شرایط جدید پس از نظام دوقطبی، واگذار به‌نظام تک‌قطبی را به تعبیر فوکویاما در پایان تاریخ و حاکمیت مطلق لیبرال دموکراسی را تسهیل کنند. جهانی‌سازی که پایه این اندیشه بود صرفاً با بهره‌گیری از دیپلماسی کلاسیک میراث دوران وستفالیایی قابل تحقق نبود. تعاملات درون سازمان‌های بین‌المللی ایجاد شده پس از دهه نود (مانند WTO) نیز بر مبنای نظریه‌های شکل‌گرفته دیپلماسی کلاسیک کامل نبود. لذا کشورهای پیشرفته برای پیاده‌سازی نظام مطلوب پس از جنگ سرد مفاهیم و ساختارهایی برای دیپلماسی اقتصادی تعریف کردند. لکن این مفاهیم و ساختارها و ابزارها به‌شدت مورد سوءظن کشورهای در حال توسعه بودند زیرا آنان می‌پنداشتند که با تحقق چنین نظامی منافع آنان حتی بیش از دوران جنگ سرد به خطر می‌افتد. چراکه تفاوت ظرفیت‌ها و توانایی‌های این دو گروه کشورها موجب می‌شود تا کشورهای در حال توسعه در شرایط محیطی محدودکننده ایجاد شده توسط نظام سلطه و کشورهای توسعه‌یافته قابلیت تطبیق و یکسان‌سازی عادلانه ندارند.

### ۱,۴,۳ بایسته‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

برخورداری از سیاست خارجی موفق اقتصادمحور ضمن پابندی به ارزشهای آرمانی و ایدئولوژیک مستلزم برخورداری از ضروریات و الزاماتی است که جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به برخورداری از جایگاه مهم در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی و با هدف ارتقای این موقعیت در عرصه نظام اقتصادی بین‌الملل از آن برخوردار بوده و با مورد توجه قرار دادن آن در عرصه‌های ملی و فراملی میتواند روند دستیابی به اهداف در حوزه مذکور را تسهیل نماید.

## ۱,۴,۳,۱ در ابعاد بین‌المللی

### - شناخت تحولات ساختاری

درک تغییرات منطقه ای و فرامنطقه ای را می‌توان نخستین الزام و پیش شرط موفقیت در حوزه دیپلماسی سیاسی و اقتصادی بیان کرد. به منظور مدیریت و هدایت مطلوب تحولات بین‌المللی، به عنوان جوهر دیپلماسی، درک و شناخت این تحولات توسط تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران و مجریان دیپلماسی امری ضروری محسوب می‌گردد.

### - درک صحیح از منافع ملی دیگر کشورهای طرف تعامل

تلاش بر آگاهی یافتن از اولویتها و ملاحظات دیگر طرفهای بین‌المللی در عرصه سیاست خارجی میتواند در بسیاری از موارد در صفحه بازی شطرنج نظام بین‌الملل حائز اهمیت و راهگشا باشد.

### - شناخت بازارهای هدف و برنامه ریزی به منظور دسترسی به آنها

از آنجایی که سند چشم‌انداز بیست ساله کشور بر توسعه تأکید داشته و کسب جایگاه نخست اقتصادی و علمی را در منطقه هدف قرار داده است، به طور طبیعی سیاستگذارهای داخلی و خارجی کشور باید در جهت اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴ تنظیم شود و از هر اقدامی که آثار منفی بر مناسبات اقتصادی و بازرگانی به دنبال داشته باشد، جلوگیری به عمل آورد. در این راستا، دسترسی آسان به بازارهای هدف و کاهش موانع تجاری به همراه تنظیم قوانین و مقررات برای ایجاد تسهیلات بیشتر دو جنبه اساسی مناسبات بازرگانی دوجانبه و چندجانبه به شمار می‌آیند (واعظی، ۱۳۸۸)

## ۱,۴,۳,۲ در ابعاد ملی

### - توجه به جایگاه ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک ایران

جایگاه سیاسی و استراتژیک ایران در غرب آسیا، پیشینه تمدنی و فرهنگی و برخورداری از منابع غنی انرژی و معادن، نقشی مؤثر در امور منطقه ای و فرامنطقه ای به جمهوری اسلامی داده است، به گونهای که این کشور همواره از تحولات بین‌المللی متأثر شده و همچنین تحولات درونی آن در حوزه منطقه ای و در برخی موارد در سطح جهانی تأثیرگذار بوده است. براساس تنوع جغرافیایی و برخورداری از منابع انسانی کارآمد، به عنوان مهمترین فرآیند توسعه ملی، ایران در میان ۱۲ کشور نخست در جهان قرار داشته و همسایگی با پانزده کشور می‌تواند

جمهوری اسلامی را به گرانیگاه توزیع کالا و انرژی تبدیل نماید که از منظر دیپلماسی انرژی، ایران میتواند از جایگاه حداکثری در عرصه بین المللی برخوردار باشد.

- درک صحیح از منافع ملی کشور خود

مدیریت و کارگردانی منافع متضاد و متعارض و رفع این تضادها، تعارضات و منازعات را میتوان یکی از مهمترین ابعاد و کارکردهای دیپلماسی بیان نمود که از طریق مذاکره و مصالحه و چانه زنی صورت میگیرد.

- هماهنگی میان دستگاههای سیاسی و اقتصادی

منظور از ساختار اقتصاد سیاسی ملی پیوند میان جامعه، سیاست و اقتصاد است که در تحولات مربوط به فناوری، تولید ثروت و توزیع عادلانه نقش دارد. سامان و روابط اجتماعی متعادل متأثر از فرهنگ و مذهب قوی در تربیت طبقات کارآفرین، کارگر، فن سالار، متوسط و با ماهیت فعال، خلاق، با قدرت خطرپذیری بالا و متعهد به بستری از روابط و ابزار تولید منسجم و کارآمد است (شکوهی، ۱۳۹۴)

دیوان سالاریهای فعال در حوزه دیپلماتیک در سه سطح گفتمانی، ساختاری و کارکردی لازم و ضروری به نظر میرسند که در سطح نخست، کارگزارها و وزارتخانه ها لزوماً از یک نظام معنایی و انگاره ای یا گفتمان واحد برخوردار میباشند که البته این وحدت گفتمانی شرطی لازم بوده، اما کافی نیست. دیپلماسی اقتصادی موفق همچنین، مستلزم وحدت ساختاری است، بدین مفهوم که تمامی وزارتخانه ها و سازمانها بر پایه نقش، جایگاه و کارکردهای تعیین شده در سلسله مراتب تصمیم گیری به ایفای نقش می پردازند (حیدری و انعامی علمداری، ۱۳۹۱)

- فزاسازی برای حضور بخش خصوصی در عرصه فعالیتهای اقتصادی در ابعاد بین المللی

حضور فعال در عرصه های اقتصاد سیاسی در سازمانها و نهادهای تأثیرگذار منطقه ای و فرامنطقه ای در جهت تحقق اهداف و منافع ملی و تهدیدزدایی از جمله عوامل مهم در حوزه دیپلماسی اقتصادی ایران به شمار می روند، به ویژه آنکه گاه تصمیماتی در این نهادها اتخاذ می کردند که در غیاب یک کشور یا حضوری غیرفعال می تواند ضربات جبران ناپذیری به منافع ملی وارد آورد.

۱,۴,۴ محذورات جمهوری اسلامی ایران در عرصه دیپلماسی اقتصادی

- اعمال فشارهای اقتصادی

اعمال تحریمهای اقتصادی گسترده به دلایل گوناگون از جانب برخی قدرتهای بین المللی، به ویژه آمریکا، و سازمان ملل متحد و همچنین همراهی برخی واحدهای سیاسی در جامعه بین المللی با تحریم کنندگان از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی مانع و چالشی مهم در مسیر توسعه اقتصادی ایران محسوب گردیده است. هر چند از سوی دیگر، نیاز و احتیاج میتواند زمینه تلاش به منظور رفع آن و در نتیجه گام گذاردن در مسیر خودکفایی را به دنبال داشته باشد، امری که جمهوری اسلامی نیز در سایه آن توانست به پیشرفتهای مهمی دست یابد، با این حال تحقق این موضوع مستلزم پرداخت هزینه های گوناگونی است. بنابراین، اعمال تحریمهای اقتصادی با هدف بازدارندگی و تلاش در جهت اصلاح رفتار ایران و محروم کردن آن از فناوریهای نو صورت گرفته که این موضوع به ویژه در صنعت انرژی، به طور عام مشهود میباشد. افزون بر این، قراردادان ایران در زمره کشورهای حامی تروریسم و تهدید خواندن آن برای جامعه بین المللی متعاقب تصویب قطعنامه های متعدد در شورای امنیت سازمان ملل متحد و قرار دادن کشورمان تحت فصول هفتم و هشتم منشور این سازمان نیز، مانع مهمی بر سر راه جذب سرمایه گذاری خارجی و فعال شدن دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی بوده است.

#### - عدم تعریف روشن اهداف اقتصادی در عرصه سیاست خارجی

اهداف اقتصادی در عرصه تعاملات خارجی جمهوری اسلامی بهطور عملی و شفاف تعریف نشده است. افزون بر این، دستگاه دیپلماسی به لحاظ ساختار سازمانی و انسانی از انگیزه و امکانات لازم برخوردار نبوده و از ظرفیت رسانه ها و بخش خصوصی حقیقی و تشکلهای اقتصاد کمک گرفته نشده است. بنابراین، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه در ابتدای انقلاب، به اقتصاد به عنوان یک ابزار نگاه شده است (عسکراولادی، ۱۳۹۴) این مسئله البته با توجه به ملاحظات آرمانی جمهوری اسلامی ایران در عرصه نظام بین الملل امری طبیعی است.

#### - حرفه ای نبودن ساختار نهادی و دیوانسالار

مانع دیگر را می توان در حوزه نهادی بیان کرد. به طوری که ساختار مناسب اقتصادی در برخی نهادها، از جمله وزارت امور خارجه، وجود نداشته یا نوپا هستند و ضعف رسانهای، تشکیلات اقتصادی و فضای سیاسی نامناسب نیز این روند را تشدید میکند. به عبارتی، حرفهای نبودن ساختار مذکور با عدم برخورداری از دیوانسالاری مناسب و عدم توجه به کادرسازی در این حوزه برای بخشهای مختلف، مزید بر علت میگردند. همچنین، لازم است نمایندگان و رایزنهای اقتصادی اعزام شده از اقتصاد ایران و همچنین اقتصاد کشور هدف مطلع بوده و حداقل به مقدمات و محدودرات اقتصادی نیم قرن گذشته اشراف داشته باشند، ضمن آنکه یادگیری

زبان رایج در آن کشور امری ضروری به نظر میرسد (عسکر اولادی، ۱۳۹۴)

بنابراین، برخی نهادهای ذیربط، همانند سازمان توسعه تجارت، میتوانند با تعامل متقابل با اتاق بازرگانی، وزارت امور خارجه، تشکلهای اقتصادی و تجاری که در کشورهای هدف، در حوزه های منطقه ای و فرامنطقه ای، در حال فعالیت بوده و به طور میدانی مسائل و نیازها را شناسایی میکنند، به تبادل نظر در خصوص صادرات و واردات کالا، ترانزیت، فعالیتهای معدنی و دیگر اقدامات به منظور ترسیم نقشه راه و هدفگذاری در آن کشورها پرداخته و نتایج را در اختیار رایزنهای بازرگانی قرار دهند.

#### - اقتصاد تک محصولی

اقتصاد ایران به دلیل وابستگی به فروش محصولات هیدروکربنی و درآمدهای ارزی حاصل از فروش آنها در تعامل با نظام اقتصاد جهانی دچار برخی مخاطرات و تهدیدات شده است، به ویژه در زمانی که بازارهای جهانی و تغییر و تحولات آن در تعیین و پیش بینی قیمت نفت تأثیرگذار هستند. بنابراین، وابستگی قریب به ۸۰ درصد اقتصاد جمهوری اسلامی به درآمدهای ارزی نفت و تا اندازه های گاز طبیعی، سبب شده تا هر نوع تنشایی در حوزه روابط خارجی جمهوری اسلامی و یا تحول در نظام اقتصاد سیاسی بینالمللی، کارکرد دیپلماسی اقتصادی را با وضعیت نامطمئن روبرو سازد و سطح تهدیدات امنیت اقتصادی کشور به لحاظ وابستگی به درآمدهای نفتی افزایش یابد (سلطانی، ۱۳۸۸)

#### - عدم توجه لازم به دیپلماسی اقتصادی در حوزه سیاست خارجی

اقتصاد سیاسی به مفهوم دیپلماسی اقتصادی کارآمد، با توجه به سیاستها و رویکردهای دولتهای مختلف در جمهوری اسلامی ایران از جایگاه و اولویت اصلی در عرصه سیاست خارجی برخوردار نبوده و در واقع، جامعه محور نبودن اقتصاد چالش دیگری است که خود زمینه رشد رانت و فساد اقتصادی را فراهم آورده و از جذب سرمایه گذاریها جلوگیری به عمل میآید. بنابراین، فقدان دیپلماسی اقتصادی در اقتصاد و سیاست خارجی امری مشهور است (عسکر اولادی، ۱۳۹۴).

#### ۱,۴,۵ پیشینه دیپلماسی اقتصادی در ایران

ساختار دیپلماسی اقتصادی در ایران تقریباً کاملاً به صورت رسمی در دستگاههای دولتی سازمان یافته اند، عمده ترین آنها عبارتند از معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه، سازمان سرمایه گذاری خارجی و سازمان جلب و حمایت از سرمایه گذاری خارجی وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت بازرگانی خارجی وزارت بازرگانی (پس از ادغام وزارت بازرگانی با وزارت

صنایع و معادن به نام سازمان تجارت)، معاونت بین الملل اتاق های بازرگانی و صنایع و معادن . در میان ساختارهای فوق معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه بیشتر بر لفظ و عبارت دیپلماسی اقتصادی تأکید داشته و سابقه فعالیت آن به پنج دهه گذشته باز می گردد. در اواخر دهه ۴۰ معاونتی به نام اقتصادی و بین المللی در وزارت امور خارجه شکل می گیرد که البته در عمل بیشتر به امور سازمان ملل متحد می پرداخت و در بخش اقتصادی نیز تنها پیمان منطقه ای اقتصادی یعنی RCD که بعدها به اکو تغییر نام یافت در حوزه فعالیت این معاونت قرار داشت. البته این معاونت در تنظیم یادداشت تفاهم های اقتصادی دوجانبه یعنی وزارتخانه ها و هم تیان خارجی نوعی نقش نظارتی از بابت تطابق شکلی با فرمت های تعریف شده نیز به عهده داشت، پس از انقلاب به علت افزایش کمیسیون های مشترک اقتصادی این نقش پررنگ تر گردید. با تغییر ساختار وزارت امور خارجه در سال ۱۳۶۹ وظایف اقتصادی دوجانبه این معاونت در معاونت های منطقه ای ادغام شد و تنها بخش های چندجانبه و نیز اداره جلسات شورای هماهنگی روابط اقتصادی در این معاونت باقی می ماند. این شورا بنا به مصوبه سال ۱۳۶۱ هیئت دولت به منظور هماهنگی فعالیت های اقتصادی خارجی با سیاست خارجی و تصویب سفرهای خارجی هیئت های ایران متشکل از معاونین شانزده وزارتخانه و رئیس اتاق بازرگانی به ریاست معاون وزیر امور خارجه تشکیل می شد که به جز تصویب سفرها بیشتر اوقات این جلسات به تبادل خبر و تحلیل می گذشت. در سال ۱۳۷۶ با روی کار آمدن دولت اصلاحات وزیر وقت امور خارجه آقای دکتر کمال خرازی در هنگام اخذ رأی اعتماد اعلام نمود که قصد دارد به دلیل اهمیت اقتصاد در سیاست خارجی معاونت جدیدی به نام معاونت اقتصادی در این وزارت ایجاد نماید که دلایل ایشان برای ایجاد این ساختار جدید در چارچوب دلایل دیپلماسی اقتصادی بود. لیکن به دلیل اختلافات عمیق درون سازمانی بین بخش های اقتصادی و دوجانبه که قسمتی از آن به جریانات جناحی در بین بخش های اقتصادی و دوجانبه و قسمتی از آن به احساس انحصارطلبی مدیران و کارشناسان بخش های دوجانبه مرتبط بوده این معاونت از بدو تولد دچار مشکل گشت. این نظر طرفداران دیپلماسی اقتصادی که با تحولات جهان در اواخر قرن بیستم و آغاز قرن جدید ایجاب می کند که برخلاف نظر دیپلماسی سنتی تحولات اقتصاد فقط یک ابزار برای سیاست خارجی نبوده بلکه خود هدفی است که می تواند در عصر جهانی شدن عامل اصلی قدرت باشد و سیاست خارجی را نیز می بایست در خدمت آن بکار گرفت، با چالش طرفداران دیپلماسی سنتی مواجه شد

## ۱,۵ آسیب های عدم دیپلماسی اقتصادی در مذاکرات هسته‌ای

یکی از آثار منفی نداشتن دیپلماسی اقتصادی ساختارمند در کشورمان، در مذاکرات هسته‌ای برجام و حتی مذاکرات هسته‌ای در دوره دولت‌های قبل بروز یافت که عبارت بود از عدم حضور کارشناسان اقتصادی در تیم‌های مذاکره کننده. از دلایل ابهامات فصل تحریم سند برجام همین امر است. تیم اصلی مذاکره کننده همگی از بخش بین الملل وزارت امور خارجه بودند لیکن هیچ یک از اعضا اصلی تیم نه در امور اقتصادی و نه در مباحث اقتصاد بین الملل دارای سابقه کار و تجربه و یا حتی تحصیلات عمیق مرتبط نبوده‌اند. برخلاف بخش اقتصادی، مدیران سازمان انرژی اتمی از ابتدای مذاکرات هسته‌ای از حدود چهارده سال قبل یعنی مذاکرات Euz تا مذاکرات دوره دولت نهم و دهم و بالاخره دوره دولت یازدهم یعنی برجام حضور مستمر و قدیمی و تأثیرگذاری داشته‌اند. به همین علت، علاوه بر ضعف های آشکار در محتوای هسته‌ای برجام، در بخش تحریم‌ها نیز، اما و اگر و شرایطی پیش‌بینی شد که رفع واقعی تحریم‌ها پس از برجام را با تردید و شبهه مواجه نمود، که نتیجه آن در سالهای بعد نشان داده شد که به چه نحوی اقتصاد کشور را دچار سخت ترین شرایط نمود.

آمریکا دست بالاتر را برای بازگشت به مسیر تحریم‌ها به بهانه‌های گوناگون برای خود باز نگه داشت و حتی اهرم فشار بر سایر اعضای ۵+۱ خصوصاً غربیان را در دست خود گرفت و هیچ گاه تعهد کاملی برای به حالت عادی بازگرداندن روابط اقتصادی ایران به جهان را نداد. به همین علت دیدیم که حتی قبل از ورود ترامپ به کاخ سفید و اعلام رسمی خروج از برجام، نه تنها روابط بانکی به حالت عادی بازنگشت؛ بلکه حتی بانک‌های اروپایی برای شروع کار با کشورمان صراحتاً از اقدامات مخرب وزارت خزانه‌داری آمریکا و افک ابراز نگرانی می نمودند و از طرف‌های ایرانی می خواستند که تعهد آمریکا در این رابطه را اخذ کند و وزیر امور خارجه کشورمان در مذاکرات با همتایان اروپایی در برهه اعلان عملیاتی شدن برجام خواستار میانجی‌گری ایشان برای این گونه تعهدات می شد.

در بخش اقتصادی یا تحریم‌ها که در واقع، رفع آن‌ها یکی از دلایل آغاز مذاکرات دور جدید که در دولت یازدهم بود، کارشناسانی از بانک مرکزی و بعضاً وزارت نفت از اواسط یا اواخر مذاکرات در کنار و ردیف دوم تیم مذاکره کننده قرار گرفتند که به علت نداشتن حضور در سوابق و پیشینه پرونده‌های هسته‌ای و تحریم و به علت گسستگی معلومات ایشان نسبت به پیچیدگی‌های روابط بین الملل و بازیگری قدرت‌ها، نمی توانستند در مذاکرات نقش بایسته را ایفا نمایند. این در حالی بود که بخش مهمی از تیم آمریکایی با تعداد بیش از ده نفر در مذاکرات از بخش‌های جدید التاسیس مربوط به تحریم وزارت امور خارجه و وزارت خزانه‌داری آمریکا بود و در واقع



صحنه گردان بحث های مربوط به تحریم در این مذاکرات این گروه بودند که از لحاظ اسناد و راهبرد و تاکتیک دست پری داشتند. آمریکائیان بر این باور بودند که فشار تحریم و نه تهدیدهای نظامی ایران را به پای میز مذاکره کشانده، پس باید بهترین فرصت طلبی را برای به گوشه کشاندن ایران حاصل نمود و با استفاده از اهرم اقتصادی و تکیه بر نظر کارشناسان و مجریان دیپلماسی اقتصادی بیشترین امتیازات را از ایران برای محدود کردن فعالیت های هسته ای که خود علاوه بر یک فعالیت علمی و مهندسی در راستای سلطه ستیزی ایران بوده است، کسب نمود. خصوصاً زمانی که با تصریح مقام معظم رهبری مشخص شد که دامنه مذاکرات محدود به بحث هسته ای است و دیگر دغدغه های آمریکا خصوصاً موضوع فلسطین و جبهه مقاومت و گسترش نفوذ ایران در منطقه را در بر نمی گیرد، نقش این کارشناسان محدود به یافتن مکانیسم های کنترل شده برداشتن تحریم ها نشد، بلکه دقت خاصی در ابقا و گنجانیدن مکانیسم های تشدید شده تحریمی غیرهسته ای و به اصطلاح خودشان موضوعات مربوط به تروریسم و حقوق بشر به عمل آورند و پس از توافق برجام ادامه مأموریت این گروه تمهید این گونه مکانیسم ها برای وادار نمودن جمهوری اسلامی ایران جهت تنازل در موضوع استکبارستیزی و نفوذ منطقه ای است. به عبارت دیگر هدف محکم تر کردن چارچوب های تحریم های اولیه یا ثانویه در ارتباط با تعاملات ایران با جبهه مقاومت فلسطین و لبنان و سوریه و مظلومان بحرین و یمن و عراق بوده و است.

## ۱,۶ دیپلماسی اقتصادی مقاومتی در چارچوب گام دوم انقلاب اسلامی ایران

### ۱,۶,۱ دیپلماسی اقتصادی و مکتب شهید سلیمانی

علی رغم حجمه ها و فضا سازی های بسیاری که علیه حضور و دیپلماسی نهضتی ایران در منطقه با محوریت شهید قاسم سلیمانی مبنی بر افزایش هزینه های اقتصادی ایران و فشار بودجه ای بر کشور وجود داشت، این حضور منشا و زمینه اثرات مثبت اقتصادی بسیاری برای ایران بود، که البته متأسفانه به علت عدم دیپلماسی اقتصادی موفق دولت در بسیاری از موارد به خوبی از این فرصت های بوجود آمده استفاده نشد، چنانچه دیپلماسی اقتصادی کشور نیز در ادامه راه دیپلماسی نهضتی و با همان قدرت پیش می رفت، اکنون بسیاری از فرصت های بالقوه در کشورهای منطقه بالفعل شده و ثمرات اقتصادی آن قابل توجه بود. ؛ اثرات اقتصادی ناشی از دیپلماسی نهضتی شهید سلیمانی، یا هرگز گفته نشده یا کسی به آن توجهی نداشته است. روابط تجاری ایران با عراق در اواسط دهه ۸۰ و بعد از حمله آمریکا به عراق صورت گرفت. این مبادلات تجاری البته عمدتاً از جنس تجارت از طریق بازارهای مرزی و به نوعی داد و ستدهای پبله وری میان ۲ کشور

بود. در آن سالها کل تجارت ایران با این کشور در خوشبینانه ترین حالت رقمی کمتر از ۸۰۰ میلیون دلار بود. پس از سال ۸۷ و با خروج آمریکاییها از عراق و تقویت حضور ایران در این کشور، روابط تجاری ایران و عراق اوج گرفت. در حالی که آمریکاییها میلیاردها دلار هزینه در عراق کرده بودند اما به دلیل دیپلماسی شهید سلیمانی و تقویت مناسبات با کشور عراق از طریق ایشان، این رقم به حدود ۹ میلیارد دلار رسید.

ضمن اینکه اقتصاد ایران در بدترین شرایط تحریمی خود قرار داشته و میزان تبادلات تجاری ایران با مجموعه کشورهای اروپایی (۵۰ کشور) و آمریکا که از ابتدای دولت یازدهم بر گسترش روابط تجاری با آنها تاکید می شد، حتی یک چهارم میزان صادرات ما به عراق نیست. علاوه بر حجم قابل توجه مبادلات اقتصادی ایران با عراق، نقش استراتژیک این کشور در دور زدن تحریمها از سوی ایران نیز قابل انکار نیست. بی شک وجود شرایط مناسب اقتصادی میان ایران و عراق در سالهای گذشته مرهون نوع مدیریت شهید سلیمانی در این کشور و فعالیت های صورت گرفته در دور زدن تحریمها و افزایش عمق مراودات میان ۲ کشور است.

## ۱,۶,۲ اقتصاد مقاومتی و جایگاه دیپلماسی اقتصادی در گام دوم انقلاب اسلامی

امروزه می توان انقلاب اسلامی را با توجه به مبانی و آرمان های آن، در تقابل تمدنی با غرب در نظر گرفت؛ چراکه شعارهای استقلال طلبانه انقلاب با رویکرد حفظ عزت اقتصادی، کاهش وابستگی، کمک به مظلومین جهان، مبارزه با استکبار و... در یک تضاد منطقی با ارزش های غرب و ایالات متحده به عنوان رهبر تمدنی این جریان به شمار می رود.

در این نبرد تاریخی و تمدنی، غرب از ابزارها و شیوه های گوناگونی برای نابودی تفکر انقلاب اسلامی یا تغییر رفتار آن در سطوح بین المللی بهره گرفته است. استفاده از ابزارهای نظامی و فرهنگی تنها بخشی از این نبرد را شکل می دهند که در گذشته توجه بیشتری را به خود جلب می نمودند اما امروزه با توجه به گستردگی و پیچیدگی ابزارهای نوین مالی و اثرگذاری شدید آنها، استفاده از این نوع ابزارها از قبیل تغییر نرخ ارز، تحریم ها، سرمایه گذاری خارجی و ... به عنوان یکی از موثرترین شیوه های جنگ اقتصادی محسوب می شود که در شرایط فعلی، ایالات متحده به عنوان پرچم دار تمدن غرب، توجه ویژه ای را نسبت به آن معطوف کرده است. در این خصوص مقام معظم رهبری فرموده اند: "دنیای اسلام امروز وظیفه دارد مثل خود اسلام و مثل خود پیغمبر، روحی در این دنیا بدمد، فضای جدیدی ایجاد کند، راه تازه ای را باز کند. ما به این پدیده ای که در انتظار آن هستیم میگوییم «تمدن نوین اسلامی». ما باید دنبال تمدن نوین اسلامی

باشیم برای بشریت؛ این تفاوت اساسی دارد با آنچه قدرت‌ها درباره‌ی بشریت فکر میکنند و عمل میکنند؛ این به معنای تصرف سرزمین‌ها نیست؛ این به معنای تجاوز به حقوق ملت‌ها نیست؛ این به معنای تحمیل اخلاق و فرهنگ خود بر دیگر ملت‌ها نیست؛ این به معنای عرضه کردن هدیه‌ی الهی به ملت‌ها است، تا ملت‌ها با اختیار خود، با انتخاب خود، با تشخیص خود راه درست را انتخاب کنند. راهی که امروز قدرت‌های جهان ملت‌ها را به آن راه کشانده‌اند، راه غلط و راه گمراهی است. این وظیفه‌ی امروز ما است<sup>۱</sup>.

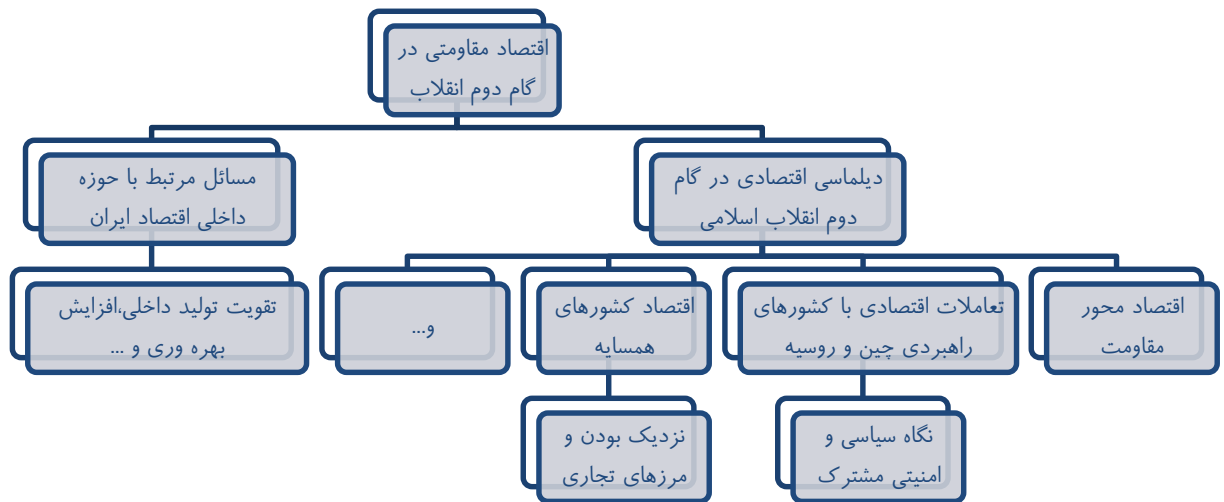
جنگ اقتصادی، استفاده از ابزارهای اقتصادی در برابر یک کشور است تا از این طریق، اقتصاد آن کشور تضعیف شود و توان سیاسی و نظامی آن تقلیل یابد. به عبارت دیگر، جنگ اقتصادی شامل استفاده از ابزارهای اقتصادی به منظور واداشتن دشمن به تغییر سیاست‌ها یا رفتار یا تحلیل بردن توانایی وی در برقراری مناسبات عادی با سایر کشورها است. کشورهای مشارکت‌کننده در جنگ اقتصادی در پی تضعیف اقتصاد دشمن از طریق قطع دسترسی آن به منابع فیزیکی، مالی و تکنولوژیکی، یا جلوگیری از بهره برداری آن کشور از مبادلات تجاری است. بنابراین مقابله با جنگ اقتصادی و طراحی یک برنامه استراتژیک و راهبردی یک امر ضروری محسوب می‌شود.

با توجه به شرایط حاکم بر جهان، حیات اقتصادی و سیاسی کشورها بدون ارتباط با یکدیگر بسیار دشوار شده است. این ارتباط که ناشی از نیازهای متقابل اقتصادی میان کشورهاست، باید به گونه‌ای تدبیر شود که منجر به وابستگی اقتصادی نشود؛ چراکه در غیر آن، در صورت وجود تخاصم و دشمنی فی مابین کشورها، ابزارهای اقتصادی مانند تحریم بسیار کارساز خواهند بود. به عبارت دیگر با عنایت به نبرد تمدنی غرب و انقلاب اسلامی، کشورهای همسو با ایران مانند روسیه و چین و کشورهای همراه با جمهوری اسلامی مانند عراق، سوریه، لبنان و یمن، باید در تعاملات خارجی خود، این تخاصم و دشمنی را در نظر داشته و با یک دیپلماسی اقتصادی موفق و کارا، به مقابله با نظام مالی جهانی که تحت سیطره جریان سلطه می‌باشد، پردازند. در یک نگاه جبهه‌ای به این نبرد کشورهایی از قبیل ایران، روسیه، چین، ترکیه، افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، سوریه، یمن، لبنان و عراق، دارای ظرفیت بالقوه در همگرایی و تشکیل یک جبهه اقتصادی جهت مقابله با نظام سلطه جهانی می‌باشند. همچنین کشورهای شمال آفریقا ظرفیت بسیار خوبی را برای همکاری و تعاملات اقتصادی موفق در صورت وجود یک استراتژی بهینه در خصوص دیپلماسی اقتصادی را دارا هستند.

به طور خلاصه می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی، جهت

<sup>۱</sup>- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی (۹۴/۱۰/۸)

مقابله اقتصادی در این نبرد تمدنی، باید یک نگاه جبهه ای داشته و به همراه کردن کشورهای همسایه و همسو و شرکای راهبردی پردازد. اکنون با توجه به پیروزی جبهه مقاومت در کشورهای سوریه و عراق و امکان دسترسی زمینی ایران به دریای مدیترانه، شرایط اولیه جهت پیشبرد این راهبرد منطقه ای در ابعاد اقتصادی-سیاسی فراهم شده است. از طرفی نباید نسبت به نقش و جایگاه راهبردی ایران در این تقابل تمدنی غفلت کرد. در حقیقت، ایران با استفاده از دیپلماسی اقتصادی و در ادامه آن ، صادرات و واردات کالا و خدمات، آمایش منطقه ای و شناسایی ظرفیت های اقتصادی-سیاسی کشورها، میتواند به یک سند راهبردی در تقسیم کار منطقه ای دست یابد تا به پیشبرد اهداف خود در این جنگ اقتصادی کمک کند.



نمودار ۱- جایگاه مفهومی دیپلماسی اقتصادی در گام دوم انقلاب اسلامی

قطعا با وجود دیپلماسی اقتصادی موفق، زمینه سازی تحقق تمدن نوین اسلامی و مقابله با تمدن غرب در جنگ اقتصادی (با توجه به تشدید تحریم ها در شرایط فعلی)، به شناسایی ظرفیت های اقتصادی-سیاسی کشور های هم راستا با انقلاب اسلامی جهت طراحی و تکمیل کریدور اقتصادی آسیای میانه تا مدیترانه فراهم خواهد شد. از طرفی، دریای مدیترانه از نظر اقتصادی و ژئوپلیتیکی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می باشد. با توجه به اتصال دریای مدیترانه به اروپا و شمال آفریقا، امکان دستیابی به بازارهای جدید برای فروش کالا و خدمات نیز فراهم می شود

### ۱،۶،۳ آینده تحریم ها در گام دوم انقلاب اسلامی

تحریم آفندی از سوی نظام سلطه، به رهبری آمریکا و آتش‌بیاری صهیونیزم، علیه نظام جمهوری اسلامی و نه فقط کشور و ملت ایران است. چراکه این نظام را تهدیدی علیه اصل و ماهیت سلطه می‌داند، که می‌تواند موجب دگرگونی رویکرد جهانی نسبت به سلطه شود. جریان قوی فکری و توان الهام بخشی نظام که خود مبتنی بر سلطه‌ستیزی است، از نظر آنان منشأ این تهدید است که موقتی و مقطعی نیست بلکه ماندگار است.

ماجرای مقطعی چون اتهامات هسته‌ای و حقوق بشری و تروریسم، تنها بهانه‌هایی برای بروز نگرانی از تهدید سلطه‌ستیزی جمهوری اسلامی است. اما تحریم، به‌زعم تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران نظام سلطه و آمریکا، کم‌هزینه‌ترین و مؤثرترین راه چالش با این تهدید است. هرچند تا قبل از برجام اکثر اندیشمندان آمریکایی و اروپایی دچار تردید جدی نسبت به کارآمدی تحریم شدند و استناد ایشان، بقای مواضع ایران بود. امروزه تحریم فوری‌ترین تهدید به شمار می‌آید که به‌زعم جریان سلطه، جایگزین کم‌هزینه‌تر اقدام نظامی است. در همین راستا باید در مبانی نظری و عملی تحریم دقیق شد و ابتدا باید به انگیزه‌های دشمن و میزان استمرار و تداوم آن را در گام دوم انقلاب اسلامی شناخت. در این زمینه سؤال‌های ذیل باید پاسخ داده شود:

۱- با توجه به مبانی نظریه تحریم پیرامون چرایی و اهداف تحریم که همانا تغییر نظام، حکومت و یا حداقل تغییر رفتار کشور تحریم شونده به نفع تحریم‌کننده است، آیا نگرانی‌های نظام سلطه از نظامی که عامل انقلاب اسلامی است و حکومت جمهوری اسلامی ایران و یا رفتارهای این حکومت برطرف شده است؟

به نظر صاحبان نظر و اندیشه در کشور ما از مقام معظم رهبری تا اغلب اندیشه‌ورزان دانشگاهی این دغدغه آمریکا پابرجا و حتی بیش‌ازپیش است زیرا نفوذ و الهام بخشی اندیشه‌ای که در پس این نظام است روزافزون می‌باشد. پس انگیزه‌های تحریم یعنی تغییر نظام یا تغییر دولت یا تغییر رفتار بسته به توان تحریم‌کننده و مقاومت تحریم شونده (کماکان و حتی بیشتر از قبل پابرجا خواهد بود و آمریکائیان اعم از رادیکال‌های نو محافظه‌کار جمهوری خواه تا دمکرات‌ها بر این امر تصریح دارند).

۲- آیا بازگشت غرب به برجام که نخستین سند رفع تحریم است به صورتی جامع حاشیه امن برای تحریم نشدن یا رفع تحریم‌های فعلی به وجود می‌آورد؟

روند چند سال اخیر، خروج آمریکا از برجام و عدم پایبندی غربی‌ها به برجام، اسخی روشن به سوال می‌دهد. با این وجود و با فرض بازگشت آمریکا به برجام، با مطالعه جامع برجام و رجوع به نظرات دست‌اندرکاران آمریکایی و حتی غربی به صورت

آشکار و بدون تأویل و تفسیر مشخص می شود، اولاً همواره تحریم های به بهانه غیرهسته ای از قبیل دموکراسی و حقوق بشر و تروریسم که خود بخش قابل توجهی از تحریم هاست، پابرجا می باشند و راه تشدید آن ها به بهانه های مذکور باز است، ثانیاً فراوانی عبارات مبهم و قابل تأویل در متن برجام در مورد نحوه اجرا و ضمانت های عدم اجرا و کمیته های نظارت و رسیدگی به شکایات به اضافه اقدامات خنثی کننده برجام در دوران پس از تصویب و اجرایی شدن آن در شکل مصوبات کنگره یا دستورالعمل های OFAC (بخش نظارت بر دارایی های خارجی وزارت خزانه داری آمریکا) و برخی بانک های مرکزی اروپایی نشان از روندی تاریک و مبهم و پر دست انداز در مورد رفع تحریم ها و برقراری تحریم های جدید بر علیه جمهوری اسلامی ایران ترسیم می کند.

۳- روش های ادامه تحریم ها یا اعمال تحریم های جدید چیست؟

مؤثرترین و مشکل سازترین بخش های تحریم های عبارت اند از اولاً تحریم های بانکی مشتمل بر عملیات انتقال وجوه برای صادرات و واردات کالا و خدمات، تأمین مالی (فاینانس) و وام ها و خطوط اعتباری و پذیرش سپرده، ثانیاً تحریم خرید نفت و فروش یا خرید فرآورده های نفتی و تجهیزات مربوط به صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، ثالثاً تحریم کالاهای مندرج در لیست مطول سازمان ملل برای کالاهای با مصرف دوگانه (Dual use)، رابعاً حمل و نقل دریایی مشتمل بر بیمه کشتی و کالا و مجوزهای کشتی های ایرانی و پهلوگیری در بنادر.

۱،۶،۴ دیپلماسی اقتصادی و نقش وزارت امور خارجه در گام دوم انقلاب اسلامی

در گام دوم انقلاب اسلامی، بر راهبرد اقتصاد مقاومتی و همزمانی درونزا بودن و برونگرا بودن این اقتصاد تأکید شده است، لذا روابط صحیح اقتصادی برون مرزی یک پایه تحقق موفقیت آمیز این راهبرد است. برای ضمانت صحت مسیر روابط خارجی اقتصادی بهره گیری از اصول تجربه شده و نظریه پردازی شده دیپلماسی اقتصادی یک ضرورت اجتناب ناپذیر است این تأکید از آن جهت است که چنانچه بیان شد در دو دهه پیش که لفظ دیپلماسی اقتصادی به صورتی بسیار پرطمطراق بکار گرفته می شد بیشتر به نظریه هایی پرداخته می شد که در مراکز علمی اروپا و آمریکا در راستای تحقق تئوری غربی جهانی سازی شکل گرفته شده بود و دیپلماسی اقتصادی عمدتاً در نحوه عضویت در WTO و تعاملات با اتحادیه اروپا (مانند TCA) و در حد بسیار کمتری در رابطه با سازمان های اقتصادی منطقه ای مانند ECO متمرکز بود. اما اقدامات خنثی سازی تحریم که به صورت تجربی در یک دهه گذشته شکل گرفت اکثراً در چارچوب دیپلماسی اقتصادی قرار داده

نمی‌شد. بی‌تردید اقتصاد مقاومتی باید مشتمل بر راهکارهایی باشد که موجب همزمان فضای مناسب کسب و کار و تولید درون‌زا و برون‌نگر باشد. به این منظور در برنامه‌ای که پیرو راهبرد و نقشه راه دیپلماسی اقتصادی در گام دوم انقلاب اسلامی ارائه می‌شود، باید راه کار پیشگیری، مقابله و دور زدن تحریم‌ها به صورتی کارآمد و بدون ابهام تدوین شود. این راهکارها باید بر واقعیت‌های صحنه بین‌الملل علاوه بر واقعیت‌های صحنه اقتصاد ملی مبتنی باشد.

این راهکارها بخشی عملیاتی و بخشی ساختاری هستند. در بخش ساختاری، مقدمه واجب تحول در نگرش مدیران اقتصادی کشور است، که متأسفانه غالباً دارای اندیشه‌ی سکولار در بخش اقتصاد می‌باشند. به‌رغم آنکه امام (ره) برای تغییر و جایگزینی نظام سکولار با چهار قرن سابقه حاکمیت بر اندیشه سیاسی و اقتصادی و اجتماعی جهان است، قیام کرد و نظام دینی را در مقابل نظام سکولار در ایران برپا ساخت، متأسفانه تفکر حاکم بر عرصه اقتصادی هنوز پای بند پارادایم سکولار هستند، دیپلماسی اقتصاد مقاومتی و مقابله با تحریم و به ناامیدی کشاندن دشمن، با اندیشه سکولار و فلسفه انسان‌محور و نگرش سودنگارانه آدم اسمیستی تحقق نمی‌یابد زیرا دستگاه فکری، هزینه فایده سکولارها، با دستگاه فکری مقاومت حق در برابر باطل، جدا و متفاوت است.

راهکار دیگر ساختاری ایجاد ستادی زیر نظر ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی برای مدیریت دیپلماسی اقتصادی است. این ستاد تسهیل‌کننده و در مواردی طراح راهبردهای سه‌گانه پیشگیری، مقابله و دور زدن تحریم‌هاست. لذا باید مرکب از نمایندگان در سطح معاونت و دارای اختیارات وزارتخانه‌های امور خارجه، اقتصاد و دارائی، بانک مرکزی صنعت و معادن و تجارت، اطلاعات و دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی باشد.

بخش عملیاتی شامل سه قسمت پیشگیری، مقابله و دور زدن است. برای اقدامات پیشگیرانه مسئولیت اصلی به عهده وزارت امور خارجه است تا با رصد کردن اطلاعات و اخبار برنامه دولت‌ها یا گروه‌هایی که قصد استمرار تحریم‌های قبلی یا تحمیل تحریم‌های جدید دارند، از طریق مذاکرات دیپلماتیک دوجانبه یا مراجعه به سازمان‌های بین‌المللی یا منطقه‌ای و لابی با محافل قدرت و استفاده از دیپلماسی عمومی و ایرانیان مقیم خارج هستند خنثی سازد.

وظیفه دیگر محوله به وزارت امور خارجه در این ستاد گنجاندن مسائل اقتصادی و تجارت در مذاکرات دوجانبه دیپلماتیک با همه کشورها به‌عنوان یک سرفصل اصلی و رصد کردن نتایج عملیاتی آن از دیگر وزارتخانه‌هاست که این مهم نیز باید در معاونت اقتصادی شکل گیرد. استفاده از ابزار سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای اقتصادی و سیاسی و حتی اندیشکده‌های معتبر در جهت اخذ قطعنامه‌ها و مقامات مخالف تحریم، از ضروریاتی است که صرفاً در حوزه تخصصی وزارت امور خارجه است بی‌تردید این اقدامات باید از حمایت فنی و همکاری نزدیک وزارتخانه‌های

صنعت و معدن و تجارت و اقتصاد و دارایی و بانک مرکزی بهره مند شود.

مقابله مرحله پس از عدم موفقیت پیشگیری و اعمال تحریم‌هاست، علاوه بر ابزارهای گفته شده در قسمت پیشگیری، که همگی در این رابطه کارایی دارند، می‌بایست برای یافتن منابع جایگزین تأمین کالا و خدمات بانک و بیمه و حمل و نقل برنامه‌ریزی و اقدام نمود. در این زمینه وزارت صنعت معدن و تجارت پیش‌ران اقدامات باید باشد تا با استفاده از شبکه جهانی سفارتخانه‌ها و حمایت سایر اعضا حتی قبل از اعمال تحریم‌ها منبع یابی نماید. در این راستا حمایت کامل وزارت امور خارجه برای فعال کردن سفارتخانه‌ها و گنجاندن اولویت کار با منابع جایگزین در برنامه‌های دیپلماسی دوجانبه ضروری است. بانک مرکزی مشابه چنین کاری را باید در خدمات پولی و بانکی عملی سازد و بانک‌های آماده همکاری را از قبل آماده سازد در بحث خدمات پولی و بانکی دو اقدام همزمان ضروری است. نخست شناسایی و توافق با بانک‌هایی در کشورهای مختلف و دارای روابط سیاسی خوب و مهم‌تر از همه منافع مشترک با ما هستند، جهت همکاری نهادینه و مستمر و تزلزل‌ناپذیر در امر گشایش اعتبار و نقل و انتقالات ارزی و سپرده‌گذاری ارز و معاملات طلا و اوراق بهادار. این بانک‌ها باید جایگزین بانک‌هایی شود که به شدت تابع تصمیمات سیاسی نظام سلطه هستند دوم جایگزین کردن دلار و یورو با ارزهای این گونه کشورها. زیرا کنترل دلار پس از اجلاس برتون وودز در پی جنگ جهانی دوم در دست آمریکا است، که مهم‌ترین ابزار سلطه سیاسی این ابرقدرت در جهان امروز است. امروزه کشورهایی که از این سلطه احساس خطر می‌کنند رو به سوی معاملات با ارزهای محلی آورده‌اند زیرا حاشیه امن بسیار خوبی برای مصون ماندن از فشارهای اقتصادی نظام سلطه ایجاد می‌کند و امکان به کارگیری این ابزار سلطه را به حداقل می‌رساند لکن عملی شدن این روش‌ها زمانی میسر است که در ایام قبل از اعمال تحریم‌ها و وقوع بحران، با به کارگیری ابزار دیپلماسی و خصوصاً در چارچوب دیپلماسی اقتصادی آغاز گردد. در این شیوه باید با تعامل سیاسی با کشورها اراده سیاسی ایشان بر این نوع همکاری‌ها ترغیب شود. در این صورت و در ادامه این روش می‌توان این اراده سیاسی را در ایام بحران تحریم تقویت کرد به نحوی که در محاسبات سیاسی، تصمیم‌گیران این کشورها آمادگی تحمل هزینه یا گریز به علت عدم تبعیت از نظام سلطه در مقابل حسن رابطه با جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند. این مهم مستلزم ایجاد حسن اعتماد و حسن تعامل و طراحی یک بازی برد برد است که در مقوله مدیریت سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی می‌گنجد و باید برای آن برنامه‌ریزی پیش‌بینی کرد و گرنه با اقدام پسینی در ایام بحران نمی‌توان نتیجه‌ای به دست آورد.

در مقوله مقابله، دیپلماسی اقتصادی نقش محوری دارد زیرا چنانچه گفتیم در چنین تقابلی اراده سیاسی کشورهایی که قرار است بنگاه‌ها و بانک‌های ایشان جایگزین تحریم‌کنندگان شوند



عامل کلیدی است و این اراده سیاسی با مجموعه‌ای از فعالیت‌های دیپلماسی رسمی، دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی غیرعلنی (لابی‌گری) دستگاه سیاست خارجی کشورمان قابل حصول است که البته با استفاده از ظرفیت‌های فردی و دستگاهی مجموعه عوامل ذی‌ربط کشور رقم خواهد خورد. تعاملات بالا با کشورهایی که پتانسیل اقدام جداگانه از تحریم‌های نظام سلطه را دارند. کشورهای با الویت موضوع این اقدام عبارت‌اند از کشورهای همسایه آسیایی و اسلامی و آفریقایی و آمریکای لاتین.

برای تحقق این آرزو یعنی به کارگیری دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان محور اصلی در روابط دیپلماتیک نیاز به افرادی با توانایی‌های فردی ارتباط‌گیری و آگاه به مسائل اقتصادی است. متأسفانه رویه‌ای که تاکنون در ارزیابی افراد برای سمت‌های سفیری یا مدیریت‌های ستادی بکار می‌رفته این بوده که کارکنان با رسته سیاسی را که توانایی و شم خوب سیاسی را برای انتساب افراد کافی دانسته و با توانایی اجرایی که اقتصادی را صرفاً برای پست‌های کارشناس اقتصادی ملحوظ می‌کردند. این رویه باید به سرعت عوض شود و کارکنان وزارت امور خارجه باید بفهمند که مدیران بالادست ایشان توانایی عملی و نظری و اقتصادی را عامل مهمی در ارزیابی و انتساب به شمار می‌آورند. توانایی دیگر دیپلمات ما باید تغییر نگرش بخشی و خودبرترینی و ایجاد توانایی مدیریت و استفاده کامل از ظرفیت‌های سایر دستگاه‌های نظام و سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی و ایرانیان مقیم خارج باشد. در مرحله اعمال تحریم‌ها به غیر از مقابله با آن که صرفاً با استفاده از کانال‌های رسمی و آشکار است، می‌بایست از روش دور زدن تحریم‌ها نیز بهره برد. این روش به صورت غیر آشکار و با استفاده از بازیگران غیررسمی است. با به کارگیری این روش در کنار مقابله می‌توان طیف وسیعی از تحریم‌ها را خنثی نمود و به این ترتیب میزان مقاومت اقتصاد کشور را افزایش داد که خود منجر به افزایش مقاومت مردم و احساس ناکامی در رسیدن به اهداف توسط تحریم گران می‌شود.

## نتیجه گیری

دیپلماسی اقتصادی می‌تواند یکی از مهم‌ترین ابزار کشور برای پیشبرد اهداف بلندمدت رشد اقتصادی باشد. در گام دوم انقلاب اسلامی، ایران برای دستیابی به موقعیت بهتر، مستلزم بهره‌گیری مناسب از فن دیپلماسی برای افزایش فرصت‌ها در زمینه جذب صادرات کالا و خدمات، انتقال تکنولوژی، گسترش تجارت خارجی و برقراری روابط پایدار با کشورهای دیگر به ویژه همسایگان و کشورهای همسو است. دیپلماسی اقتصادی عمدتاً در قالب استراتژی افزایش صادرات مورد توجه قرار می‌گیرد؛ اما شرایط ایران به علت داشتن تهدیدات گوناگون تفاوت خاصی با کشورهای

دیگر داشته و باید از طریق پیمان‌های منطقه‌ای و ائتلاف‌های استراتژیک با کشورهای نزدیک و هم‌پیمان بتواند به این مهم دست یابد. وضعیت موجود ایران به خصوص در حوزه اقتصادی، چندان شایسته ایران و ایرانی نیست. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که می‌تواند ایران را از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب برساند، دیپلماسی اقتصادی است.

تحریم کماکان مهم‌ترین تهدید علیه نظام ماست و مبارزه با آن در شکل‌های پیشگیری، مقابله و دور زدن از مهم‌ترین وظایف اقتصادی دست‌اندرکاران نظام است. این وظیفه باید در چارچوب راهبردهای اقتصاد مقاومتی باشد. یکی از ابزارهای اصلی خنثی‌سازی تحریم دیپلماسی اقتصادی با رویکردی نوین است. در این رویکرد، باید ساختار و کارکرد شوراهای تصمیم‌گیری و دستگاه مجری سیاست خارجی کشور مورد تجدیدنظر واقع شود. تحریم آفند نرم نظام سلطه است که باید با پدافندی نرم، به جنگ آن رفت. اما این نبرد باید توسط مدیرانی بسیجی، متوکل به خدا و ناامید از لطف سلطه‌گران و تکلیف‌محور صورت پذیرد که در غیر این صورت مقاوم‌سازی مردم که هدف این آفند هستند تا حمایت خود از نظام را دربردارنده، نمی‌توان تحقق ساخت

دیپلماسی اقتصادی مبتنی بر مکتب شهید سلیمانی در گام دوم انقلاب اسلامی، نیازمند چند پیش شرط و اقدام در سطح ملی و بین‌المللی برای کامیابی است. پیش شرط شامل شناخت دقیق وضعیت موجود، اعتقاد متولیان اقتصادی به تداوم تحریم‌ها و جنگ اقتصادی نظام سلطه علیه ایران می‌باشد. اقدامات در سطح ملی شامل تعریف دیپلماسی اقتصاد مقاومتی مبتنی بر مکتب شهید سلیمانی، باز تعریف وظایف دستگاه دیپلماسی و دیپلمات‌ها، ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های سیاسی و اقتصادی و فضاسازی برای حضور بخش خصوصی و اعتقاد به آن در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و اقدامات در سطح بین‌المللی شامل اتخاذ استراتژی‌های مناسب، توجه به ژئوپلیتیک بی‌همتای ایران، ارتباط شایسته با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی اقتصادی، شناخت بازارهای هدف و برنامه‌ریزی برای فتح آن و استفاده از بسترهای موجود در کشورهای هم‌پیمان تا برآیند آن تغییر جایگاه ایران در اقتصاد بین‌الملل باشد. ایران ظرفیت‌های متعدد برای صادرات دارد و این دیپلماسی اقتصادی است که باید بار اصلی آن را به دوش بکشد. بازار کشورهای همسایه به خصوص افغانستان و عراق می‌تواند با قراردادهای جامع اقتصادی بر روی کالاهای ایرانی باکیفیت باز شود. در حوزه صادرات خدمات فنی و مهندسی، صنایع دستی و صنایع فرهنگی ایران مزیت نسبی بالایی در منطقه و حتی جهان دارد

## منابع فارسی

- الرشید، هارون، دیپلماسی اقتصادی، ترجمه: مهدی عباسی، فصلنامه فرهنگ اندیشه، سال پنجم، شماره

نوزدهم، پانز ۱۳۸۵

- استنلی هافمن، «روابط بین‌الملل؛ علم اجتماعی آمریکایی»، ماهیت و هدف نظریه روابط بین‌الملل، از و لینلیتر، ترجمه لی‌لا سازگار (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، ۱۳۸۵) ص ۱۳۶.
- رضا سیمیر، مذهب و روابط بین‌الملل پس از یازده سپتامبر، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۲۰، ش ۲۲۴ - ۲۲۳، سال ۱۳۸۵، ص ۷۶
- جکسون، رابرت و گتورگ سورنسون (۱۳۸۵). درآمدی بر روابط بین‌الملل، ترجمه: مهدی ذاکریان، احمد تقی‌زاده و حسین سعید کلاهی، تهران، میزان.
- فهیم یحیایی، ف. (۱۳۸۱). «سیاست‌های انتقال و توسعه فناوری در کشور چین»، رهیافت، ش. ۲۸.
- لاردی، ن. (۱۳۷۴). چین در اقتصاد جهانی، چاپ اول، ترجمه: غ. آزاد ارمکی و ن. نوری، تهران، کویر.
- معصومی فر، ا. (۱۳۸۴). الگوی توسعه اقتصادی چین، چاپ اول، تهران، سروش.
- موسوی شفاپی، مسعود (۱۳۸۸)، دیپلماسی اقتصادی، ابزاری نوین سیاست خارجی در عصر جهانی شدن، در مجموعه مقالات دیپلماسی اقتصادی، تهران، مرکز پژوهش‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- وابسته بازرگانی سفارت ایران در پکن؛ <http://www.ircoach.ir>
- واعظی، محمود (۱۳۸۷). «راهبرد تعامل سازنده و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا»، چاپ اول، ترجمه: محمود واعظی، مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا، تهران، مرکز پژوهش‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام.

#### منابع انگلیسی

- o Fung, K., Iozaka, H., and Tong, s. (۲۰۰۲). Foreign Direct Investment in China: Policy, Trend and Impact. Retrieved from <http://www.hiebs.hku.hk> .
- o Günther Hilpert, Hanns (۲۰۰۱). China's Trade Policy; Dominance without the Will to Lead, RP \ , Berlin .
- o Kosteci, M., and Naray, O. (۲۰۰۷). Discussion Papers In Diplomacy , Comercial Diplomacy and International Business. Netherlands Institute of International Relations Clingendael .
- o Hooghe, Ingrid d' (۲۰۰۷). "The Rise of china's Public Diplomacy", The Hague, Netherlands Institute of International Relations Clingendael, Clingendael Diplomacy Papers No. \ ۲ .
- o Jönsson, Christer and Hall, Martin (۲۰۰۵). "Essence of Diplomacy (Studies in Diplomacy and International Relations)". Published by Palgrave Macmillan .
- o Lee, Donna and Brian Hocking (۲۰۰۰). 'Economic Diplomacy' in Robert A. Denmark (ed.) The International Studies Encyclopedia, Vol. II .
- o Lew, A. A., Yu, L., Ap, J., and Guangrui, Z. (۲۰۰۳). Tourism in China. (The Haworth Hospitality Press®, an imprint of The Haworth Press, Inc.) Retrieved from <http://fama.us.es:8080/turismo> .
- o Medeiros, E., and Fravel, M. (۲۰۰۳, November/December). China's New Diplomacy.



International Conference on The Second Phase of the Islamic Revolution : دومین همایش بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی :

The School of Martyr Soleimani ;

مکتب شهید سلیمانی

A Model for Training Jihadi Civilization-Making Managers

الگوی تربیت مدیران جهادی تمدن ساز



Foreign Affairs .

- o Medeiros, Evan S. (۲۰۰۶). "Chinese Foreign Policy: The Africa Dimension", Medeiros.China-Africa- ۰-۰۶ .
- o Naray, O. (۲۰۰۸). Commercial Diplomacy: A Conceptual Overview. World Conference of TPOs The Hague The Netherlands .
- o Bayne, Nicholas, Woolcock, Stephen (۲۰۱۰). ۲nd edition. The New Economic Diplomacy. Decision-making and Negotiation in International Economic Relations .
- o Nye, JR. Joseph S. (۲۰۰۹). "The Means to Success in World Politics", Published in the United States By PublicAffairsTM. Printed in the United States of America..

